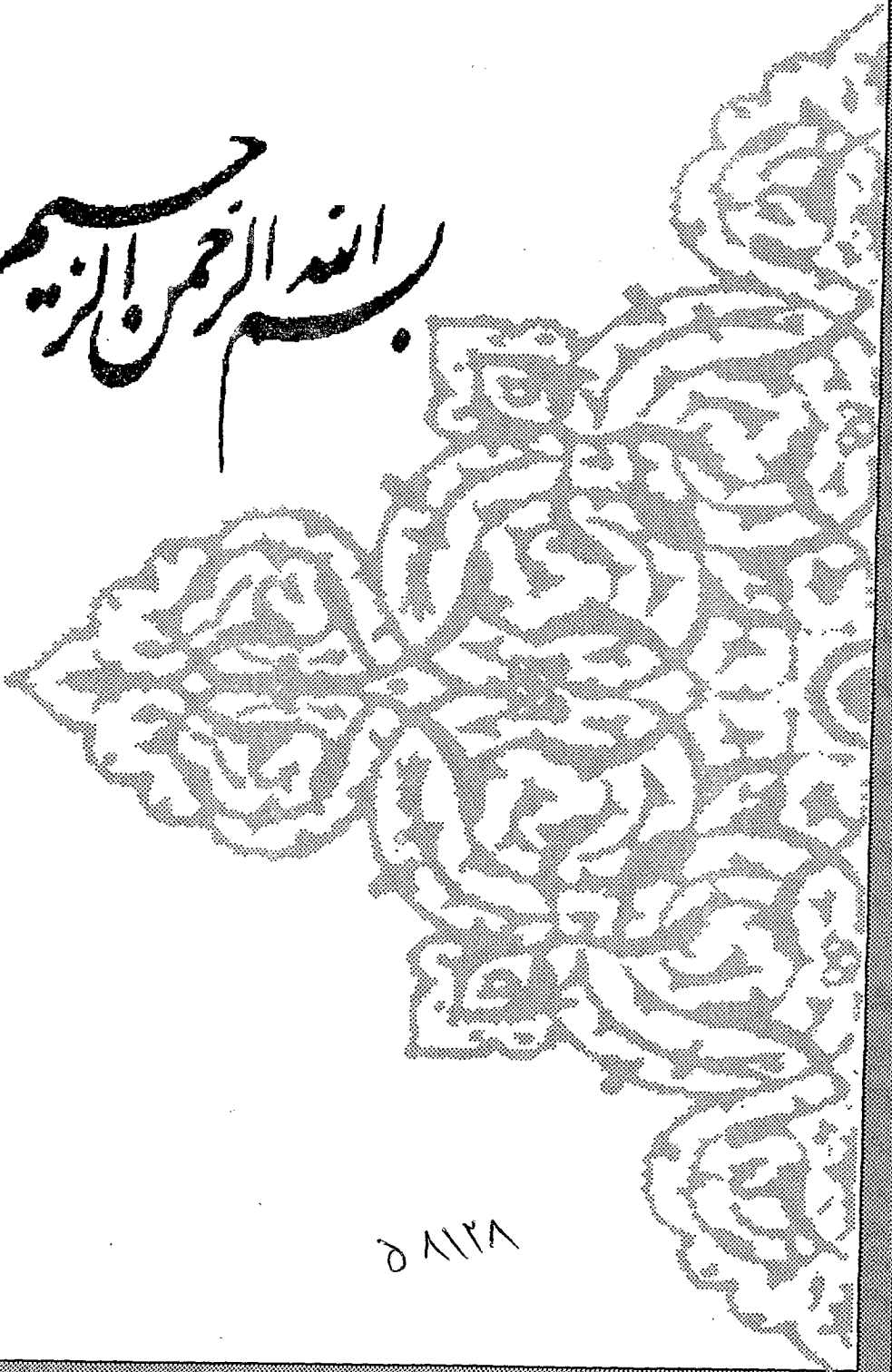


۲۰ ۵ ۱  
۱۱/۱۱/۱۳۴۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۷۱۱۲



دانشکده اصول الدین

شعبه تهران

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.S)

رشته:

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

علوم قرآن و حدیث

موضوع

فرهنگنامه ایمان و کفر در قرآن

استاد راهنما

دکتر سید کاظم عسکری

استاد مشاور

دکتر محمد علی آذرشب

نگارش

سیده طاهره آقامیری

سال تحصیلی ۷۸ - ۱۳۷۷

۵۸۱۲۸

خدای من!

ای مهربانترین مهربانان!

کیست که ساغر محبت از دست تو نوش کرد و حلقه بندگی دیگری  
در گوش کرد؟!

جانی که به تو حید تو عزت یافته و پیشانی عشق بر خاک ربوبیت تو  
سائیده چگونه دل به دیگری سپارد؟!

الهی!

ما را از آن دسته بندگانت قرار ده که پرندۀ اشتیاقشان را در آسمان  
آبی لقاء خودت رخصت پرواز داده ای

و ماهی رضایتشان را در دریای قضاء خودت پیرو راندی،  
و صاعقه نگاهت را بر جانشان زدی.

آفریدگار!

نکنند که روی از من بتابی و نشود که نگاه حیرانم را منتظر بگذاری،  
نردبان امید را از زیر پای دلم مکشان و تا پایان این راه بی پایان مرا به  
خود و امگذار.

دست نیاز و و اماندگی و حیرانی به دامان صمدیت و جبروت و  
سبحانی تو آویخته ام،

به بزرگواریت و بخشش بی انتهایت قسم، بر من آنسان منت نهی از  
عطایت، که چشمم روشنی یابد و مصائب دنیای فانی بر من آسان  
شود.

عاشقان را بر سر خود حکم نیست

هر چه فرمان تو باشد آن کنند

تقدیم به

کعبه عشاق

اشرف انبیاء و خاتم اوصیاء

و

اهل بیت عصمت و طهارت

نگاهبانان حریم دیانت و آسمان معنویت

مسند نشینان حریم کبریائی

آنانکه وجودشان انیس نفوس است و امین آسمان

ساکنان خانه کوچک فاطمه (س) که نقطه تلاقی همه بزرگیهاست

آنانکه معرفت، محراب، صبوری، صلابت، حرکت، مقاومت و

شهادت را به گستردهگی آفتاب تا ابدیت و جاودانگی تاریخ بر

عاشقان کوی ولایت و امامت ارزانی داشتند.

و

تقدیم بر آستان پر مهرت ای موعود مهربان

حضورت راتشنه ایم

«یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضّر و جئنا بیضعة مزجئة

فأوف لنا الکیل و تصدّق علينا ان الله یجزی المتصدّقین»

تقدیم به

آشنایان کوی دوست

که مضمون آب و آئینه اند

و

مفهوم صدق و وفا

آنانکه آسمانی اند و از اسارت هوارسته اند

و

هر جا شور و شعوری است

حضور پیدا و پنهانشان را می توان یافت

# سپاس

استادان ارجمند:

استاد علامه سید مرتضی عسکری

استاد دکتر سید کاظم عسکری

استاد دکتر محمد علی آذر شب

این سیاهه چکامه را که حاصل تلاش ذهن شاگرد

کوچک شماست به پیشگاه بزرگوارتان تقدیم

می دارد.

طوق منت کسی که مرا در طلب علم و حکمت

سوق می دهد، به گردن می نهم.

## فهرست مطالب

۱ ..... چکیده

۳ ..... مقدمه

بخش اول: ایمان

فصل اول:

اسلام

۱۱ ..... ۱- مفهوم اسلام

۱۸ ..... ۲- اسلام تنها دین خدا

۲۳ ..... ۳- رابطه اسلام و ایمان

۲۸ ..... ۴- مراتب تسلیم

۳۲ ..... ۵- تفاوت ایمان و اسلام

فصل دوم:

بررسی واژه ایمان

۳۷ ..... ۱- معنی لغوی ایمان

۴۰ ..... ۲- ایمان در اصطلاح صاحب‌نظران

۴۷ ..... ۳- رابطه ایمان و عقل

۴- رابطه ایمان و علم ..... ۵۴

۵- متعلقات ایمان ..... ۶۰

۶- مراتب ایمان ..... ۶۵

## فصل سوم:

### ایمان و عمل

۱- اهمیت عمل ..... ۷۳

۲- مرجئه و اندیشه خطرناک تحقیر عمل ..... ۷۶

۳- وجه تسمیه مرجئه ..... ۷۹

۴- تفکیک ایمان از عمل ..... ۸۱

۵- شیعه و مرجئه‌گری ..... ۸۳

۶- رابطه ایمان و عمل صالح ..... ۸۶

۷- جمع بین آیات ..... ۹۱

۸- خطابه‌های مستقیم خداوند به مؤمنان ..... ۹۵



## فصل چهارم:

### واژه‌های ایمان

- ۱- مؤمنین ..... ۱۱۹
- ۲- اولوالالباب ..... ۱۳۶
- ۳- عباد الرحمن ..... ۱۵۴
- ۴- صابرين ..... ۱۶۸
- ۵- خاشعین ..... ۱۹۵
- ۶- مخلصین ..... ۲۰۴
- ۷- محبتین ..... ۲۳۰
- ۸- متقین ..... ۲۳۶
- زهد ..... ۲۷۹
- ۹- الموفون بعهدهم ..... ۲۹۲
- ۱۰- متوکلین ..... ۳۰۸
- ۱۱- منفقین ..... ۳۳۴
- ۱۲- صالحین ..... ۳۵۴

## بخش دوم: کفر

### فصل اول

#### بررسی واژه کفر

- ۱- تحلیل لغوی واژه کفر ..... ۳۶۰
- ۲- وجوه کفر در قرآن ..... ۳۶۴
- ۳- کفر در اصطلاح قرآنی ..... ۳۶۷
- ۴- کفر و شرک ..... ۳۷۳
- ۵- کفر در معنای گمراهی ..... ۳۸۰
- ۶- انواع کفر ..... ۳۸۴

### فصل دوم

#### کافر چه کسی است؟

- ۱- کفر به ایمان ..... ۳۸۹
- ۲- مرتکب کبیره کافر است یا مؤمن؟ ..... ۳۹۲

## فصل سوم

### واژه‌های کفر

- ۱- کافرین ..... ۳۹۶
- ۲- منافقین ..... ۴۲۰
- ۳- فاسقین ..... ۴۶۳
- ۴- فاجرین ..... ۴۷۶
- ۵- ظالمین ..... ۴۸۳

### فهرست منابع و مآخذ

## چکیده

«ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولکن أخبرکم عنه الا ان فیه علم مایاتی و الحدیث عن الماضی و

دواء دائکم و نظم مابینکم»<sup>(۱)</sup>

معانی ظریف قرآن بسان پرتو آینه، لرزان و از دسترس اندیشه گریزان است، اما وقتی در دلی افتاد، تا ناپیدترین زوایای روان او نفوذ کرده، آن را مجذوب خود می‌سازد.

قرآن کریم در صدها آیه، حاوی ویژگیها و ملاکهای اسوه‌های راستین بشر است و با بیان آن ملاکها صاحبان آنها را مدح و ستایش می‌کند، گروههای انسانی نمونه‌ای، چون: مخلصین، مؤمنین، محبتین، اولوالالباب، صالحین، صابرین، خاشعین، عباد الرحمن، الموفون بعهدهم، متقین و... از سوی قرآن به جانهای تشنه مخاطبان معرفی شده‌اند و تصویر کاملی از شخصیت و حالات روحی و ظاهری و زندگی مادی و معنوی این وارستگان ارائه شده است.

در مقابل، آیاتی نیز وجود دارد که ویژگیها و صفات منفی انسانهای بی‌ایمان را در قالب عناوینی چون: کافرین، فاسقین، منافقین، فاجرین و ظالمین بیان نموده است.

این پژوهش گامی است کوتاه در جهت ارائه یک فرهنگنامه در زمینه مفاهیم در دو حوزه ایمان و کفر که در آن کوشش گردیده تا تعاریف قرآنی هر یک از عناوین فوق از قرآن استخراج گردد.

از آنجا که درک بار معنایی الفاظ فوق با رجوع به کتب لغت معتبر، کفایت نمی‌کند بعد از تحلیل لغوی

۱ - نهج البلاغه خ ۱۵۸ - این قرآن را پس استنطاق نمائید (از آن حرف و مطلب بیرون بکشید) و خودش به خودی خود هرگز گویا نمی‌گردد.

اما من شما را از آن خبر می‌دهم، بدانید که در آن علم آینده، حدیث گذشته، داروی دردها و نظم آنچه مربوط به شما است وجود دارد.

هر یک از واژه‌ها بر اساس معاجم لغت با بهره‌گیری از تفاسیر قرآن، نحوه کاربرد واژه‌ها در سیاق آیات مورد توجه قرار گرفته است. زیرا توجه به سیاق، دامنه معنی لغوی را گسترش داده یا حصر می‌نماید و معنی مناسب را از میان معانی متعدد در کتب لغت مشخص می‌کند و با توصیف عناوین به کار رفته از حیث مصداق عملی و تجسم عینی و خارجی، می‌توان به چگونگی حصول این مفاهیم پی برد. این مطمئن‌ترین تبیین و توضیح از مفاهیم است که مقصود الهی را در عناوین قرآنی به وضوح مشخص می‌سازد و مقدمه‌ای است برای شخصیت‌شناسی که در پرتو آن می‌توان به ارزیابی شخصیتها پرداخت.

از طرفی با کسب چنین آگاهی و شناختی نسبت به تعاریف قرآنی مفاهیم و واژه‌ها چگونگی رسیدن به خصلتهای ایمانی را می‌توان بدست آورد و به تبع آن از صفات منفی که نمودی از بی‌ایمانی است اجتناب کرد.

آری برای گشودن قفل قلبهای خود «ام علی قلوب اقفالها» و دست یافتن به گنجینه‌های رحمن باید "تدبر" در قرآن و کشت کردن در زمین پر برکت این کتاب را تمرین کرد.

چنانکه اولین تربیت شده این مکتب فرمود: "در روز قیامت منادی ندا می‌دهد که امروز هر کس گرفتار کشت خویش و پاسخگوی سرمایه‌گذاری عمر در زمینه‌ای است که انتخاب کرده، غیر از کشتکاران قرآن. پس باید از این گروه و پیروان قرآن بود و بوسیله آن پروردگار را شناخت و نفس را نصیحت کرد و آراء و نظریات شخصی را متهم و مغشوش شناخت." (۱)

و از آنجا که از اصول اساسی در تدبر قرآن شناخت مفاهیم قرآنی است، نوشته حاضر گامی است ابتدائی و متواضعانه در تدبر قرآن، که امید است به عنایت خدای واسع فتح باب پژوهشهایی در عرصه فرهنگ قرآنی، قرار گیرد.

"الهی لاتواخذنا ان نسينا او اخطانا"

## مقدمه

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدٰنَا لِهٰذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِیْ لَوْ لَا اَنْ هَدٰنَا اللّٰهُ».

سپاس و ستایش بی حد خدائی را سزااست که انسان را به زیور هستی در عالیترین و نیکوترین نمود هستی بیاراست. (۱) و او را شنوا و بینا نمود. (۲) و به نعمت هدایت مفتخرش فرمود. (۳) و به ایشان کرامتی خاص بخشید. (۴)

دروود و تحیت خدا بر همه انبیاء و هادیان بشریت، خاصه خاتم آنان، برترین انسان برگزیده الهی رسول خدا محمد مصطفی "صلوات الله علیه و علی آله الطیبین الطاهرین" و جانشینان آنحضرت، ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین که با تلاش مداوم خود کوشیدند آن منزلت الهی را برای انسانها حفظ کنند. زیرا خود گنجینه‌های رحمن بودند و وجودشان (دریای) مواج کرائم قرآن بود (۵)

سپاس و ستایش خدای را که "قرآن" را بر بشریت عرضه داشت تا در پرتو مشعل فروزانش راه هدایت را روشن ساخته، انسانها را به صراط مستقیم و کمال راهنمایی نماید و تدبیر در آن را برای همگان میسر ساخت تا در پرتو آن از شفاء و رحمت الهی برخوردار گردند:

"وَنَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ..." (اسراء / ۸۲)

"لَوَ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ لَّرَاٰیْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشِیَةِ اللّٰهِ" (حشر / ۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، هر آینه آن کوه را می دیدی که چگونه از ترس خداوند خاشع شده، از هم فرو می پاشید.

به تصریح آیه فوق اگر قرآن بر جمادات عرضه می شد، بی تردید در برابر آن، ناگزیر به اثر پذیری بودند. پس انسان زنده به طریق اولی، از خطابات و معارف قرآن اثر پذیرفته و بهره مند می گردد.

۲ - "... فَجَعَلْنَاهُ سَمِیْعًا بَصِیْرًا." (الدهر / ۲)

۱ - "لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ اَحْسَنِ تَقْوِیْمٍ." (التین / ۴)

۴ - "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ..." (اسراء / ۷۰)

۳ - "اَنَا هَدِیْنَاهُ السَّبِیْلَ..." (الدهر / ۳)

۵ - نهج البلاغه خطبه ۱۵۴: "اهل البيت فيهم كرائم القرآن و هم كنوز الرحمن"

آری قرآن کریم، دارای چنان قدرت جاذبه‌ای است که قادر است دلهای بزرگ و عقولی را که جز از طریق حق خاضع نمی‌شوند، قانع کرده و به سوی خود که حقیقت محض است، جذب نماید. زیرا عظیم‌ترین جلوه‌گاه اسماء و صفات خداوند سبحان می‌باشد:

"و لقد تجلی الله سبحانه فی کتابه" (۱)

"و به خدا قسم که خداوند سبحان در کتابش (به نحوه‌ای خاص) تجلی نموده است."

این نکته بدان معنی است که نزدیکترین راه قرب به خدا، از طریق قرآن حاصل می‌شود و انسان پویا که دائم در حرکت تکاملی به سوی رب است، نیاز مبرم به معرفت مداوم و شناخت کامل دارد:

"یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه" (انشقاق / ۶)

هان ای انسان! همانا تو بسیار کوشنده (و پوینده) به سوی پروردگار خود هستی (تا آنجا که) از پس (تلاش و کوشش خود) او را ملاقات خواهی کرد.

چنانکه علی علیه‌السلام در نصایح خود به کمیل می‌فرماید:

"یا کمیل! ما من حركة الا وانت محتاج فیها الی معرفة" (۲)

ای کمیل! هیچ حرکت و پویندگی (در تو) نیست، مگر آنکه تو در آن حرکت نیازمند نوعی شناخت هستی.

بی‌شک، انسان بدون شناخت قرآن، قادر به چنین حرکت مقدسی نخواهد بود. بنابراین اگر حرکت مداوم، ضرورت زندگی آدمی است، پس شناخت قرآن نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در حیات او خواهد بود.

قرآن، خود، جامعه انسانی را به تدبیر و تعقل در آیاتش فرا خوانده است و این دعوت را تلویحاً با نوعی سرزنش بیان نموده است، تا جایی، برای هیچ‌گونه عذری باقی نماند:

"افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها" (محمد / ۲۴)

آیا در (حقایق و معانی) قرآن تدبیر نمی‌کنند، یا بر قلبهای (ایشان) قفلهای (مخصوص) آن دلهای،